

« حکمت و عرفان صدرالدین شیرازی »

۱- آخوند ملاصدرالدین محمد بن ابراہیم شیرازی قوامی مشہور بملاصدرا و در نزد فلاسفہ اسلامی ملقب بصدر المتألہین است ، وی یگانہ فرزند پدر پیر خود بود علوم منقول را در نزد شیخ بہائی و علوم عقلی را در محضر میرداماد در اصفہان تکمیل کرد ، مدتی در دیہ کھک از دیہہای قم گوشہ ای برگزید و بروش اشراقیان در تکمیل نفس در راہ معرفت کوشید ، ہفت مرتبہ با پای پیادہ بہ حج بیت اللہ الحرام شتافت ، در بازگشت از سفر ہفتم در سال ہزار و پنجاہ فمری در شہر بصرہ وفات یافت نگارندہ این سطور در ایام تحصیل در نجف اشرف بہ زیارت قبر ملاصدرا بارہا توفیق یافت ، در شہر کھنہ بصرہ در گورستان قدیمی آن سامان می باشد .

۲- در مقدمہ کتاب اسفار ، دیباچہ بعضی از کتابہا تصریح می کند کہ از دانشمندان ظاہر زحمت ورنج بسیار دید ، در کتاب الوار دات القلبیہ بد فقہیان و چابلوسان دربار صفوی سرزنش می کند ، در آغاز کتاب اسفار نوشتہ است ، در روزگار جوانی بفلسفہ الہی پرداختم در آثار فلاسفہ باستان و فلسفہ یونان تحقیق کردم میخواستم کتابی جامع بنویسم ولی از کید و فتنہ مردم ظاہر بین در امان نبودم ناچار باین گوشہ پناہندہ گشتم !!

گویند ملاصدرا استاد خود میرداماد را در خواب دید ، از وی جویا شد چرا تو از شر تکفیر و سرزنش آسودہ ماندی و من با آنکہ پیرو آراء تو بودم گرفتار تکفیر گشتم ، میر در پاسخ او گفت من مطلبہای فلسفی را جوروی پیچیدہ و گرہ زدہ بیان داشتیم ، فہمش بسیار دشوار است ، تنها خواص از آن آگاہ میشوند اما تو حقیقتہا را با بی پیرایہ بازبانی سادہ بہ پیشگاہ استفادہ ہمہ قرار دادی !! چون چنین است ناچار مردمی کہ بہ کنہ فلسفہ پی نمی برند ترا زحمت و آزار میدہند ! بقول شادروان استاد فاضل تونی : البتہ مصون ماندن میرداماد یکی ہمین مشکل نویسی و بیان مطلبہا در لفاظیہ بود ، اما شک نیست علت دیگر ہم در این امر دخالت داشت ، آن تردیکی و مقام وی در دربار صفوی بود کہ خواہ ناخواہ مجالی برای زبان درازی طعنہزنان باقی نمی گذاشتہ است پس از وفات ملاصدرا نیز این مخالفت ادامہ یافت ، از برخی از علمای ظاہر بین و خشک در آثار خود باو تاختند تا آنجا کہ شیخ علی اکبر اردبیلی در کتاب خود او را صدر الکفرۃ نامید !!

شیخ احمد احسائی در برابر فلسفه صدرالدین شیرازی آراء خود را « حکمت آل محمد ص » نام نهاد.

۳- گویند دوره درس کتاب اسفار اربعه را حاج ملاهادی سبزواری در مدت شش سال درس میداد حواشی دقیقی بر اسفار اربعه دارد .
میرزا فضل‌الله آشتیانی کتابی بنام حواشی بر اسفار نوشت که مجموعه‌ای است از یادداشت‌های استاد خود آقامیرزا هاشم اشکوری « اشکوری را محی‌الدین ثانی می‌نامیدند » .

۴- صدرالدین شیرازی از بزرگترین حکیمان اسلامی است ، هر يك از تالیفاتش شاهکاری از فلسفه و عرفان بشمار میرود ، درباره نظریه حرکت جوهری تحقیقات عمیق و حکیمانه‌ای دارد که از ابتکارات اوست قرآن مجید ، اصول کافی را نیکو تفسیر و شرح نمود ، بایانی شیوا روشن حقایق حکمت یونان ، ایران ، هند ، اسلام را بروش زیبایی بهم آمیخت ، بنای نوینی در حکمت نهاد که مورد توجه و دقت حکیمان است .

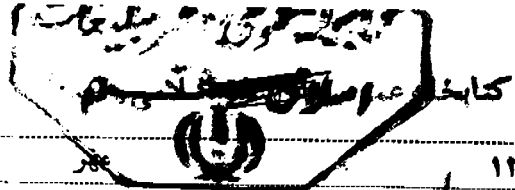
۵- میتوان گفت همان‌جور که شعر سعدی و حافظ روان ، زیبا ، شیوا است فلسفه صدرالدین شیرازی هم مانند نسیم بهاری خوش و دلکش است چه هر سه این ناموران بزرگ از خاک شیراز برخاسته‌اند باید گفت : حد همین است سخن‌دانی و زیبایی را .

۶- کنت گوینو نویسنده کتاب سه‌سال در ایران ترجمه فارسی آن « چاپ تهران » در کتاب مذهب‌های آسیای وسطی گمان کرد که کتاب اسفار اربعه صدرالدین شیرازی سفرنامه است ، شاهکار فلسفی او را بسیاحت‌نامه اشتباه نمود .

۷- از زمان تألیف کتابهای صدرالدین شیرازی تاکنون این کتابها از کتب درسی دانش‌پژوهان حکمت و عرفان است هنوز حکیم بزرگی در جهان اسلامی ظهور نکرده که آراء و معتقدات فلسفی او با نظریات فلسفی صدرالدین شیرازی برابری کند .

گرچه عبدالرزاق لاهیجی ، ملامحسن فیض ، قاضی سعید قمی ، حاج ملاهادی سبزواری ، میرزا ابوالحسن جلوه ، آقاعلی زنونزی و مانند آنان گاهگاهی آراء و نظریاتی در حکمت و عرفان بیان داشتند درینا که حکیمی سخنان تازه و نوینی ابراز دارد و تاسیس فلسفه کنند پس از آخوند ملاصدرا در عالم اسلامی نشان ندارم ، در زمان ما هم استادان فلسفه و عرفان شارح گفتار و نوشته‌های حکیمان می‌باشند نه صاحب‌نظرند ! براستی باید گفت این مدعیان فلسفه نقالند نه صاحب‌نظر !!

۸- نور و ظلمت - حکیمان اشراقی عقیده دارند که انوار قاهره مجرد است از غواسق « باصطلاح حکماء اشراق غواسق اجسام هستند » اما انوار اسپهبدی غاسق‌اند بغاسقات ، بواسطه شوقی که غاسقات را نسبت بآنها است ، در نزد اهل حکماء و توحید پهنا و حیطة نورالانوار باندازه‌ای است که تاریکی هم بیرتو او تعیین و تشخیص پیدا می‌کند ، او برتر از نور و تاریکی است ، خالق وجود و عدم است « الم ترالی ربك كيف مدالظل » این معنی مسلم است که سبب پیدایش جسم‌های غاسقه نخست و ذاتا همین انوار عرضی ستارگان بوده‌اند زیرا که سبب از کشف و تحقیق علمای علوم طبیعی روشن ساختند که کره زمین قطعه روشن سیالی بود که از جرم آفتاب جدا گشت چنانکه این رنگ‌ها همان ماهیت‌ها ، شیشه‌ها ، تطوراتی هستند که بجراغ وجود نمودار گشته‌اند غزالی رساله بسیار



شیوا و دقیق در تفسیر آیه نور تالیف نمود بنام مکوة الانوار « چاپ مصر » صدرالدین شیرازی در کتابهای خود از آن نقل می کند خود ملاصدرا هم رساله دقیق فلسفی در تفسیر آیه نور نوشت از شاهکارهای فلسفی و عرفانی بشمار میرود « چاپ تهران » صدرالدین شیرازی در فلسفه روش مخصوصی نگرفت ! نه مشائی صرف است ! نه اشراقی ! نه صوفی محض ! نه ذوقی ! نه متشرع ! نه فیلسوف ! بلکه مشرب خاص او از همه اینها است ولی بروش اشراق بیشتر مایل است ! باز در بسیاری از موردها هم با آن مخالف است مانند اصالت وجود ترکب جسم از هیولی و صورت ، در این باره با شیخ اشراق در نبرد است ! در اینجا حکیم مشائی است ، مشائیان که وجودها را حقیقت های دورازهم می دانند مخالفت نمود ، میگوید : وجود يك حقیقت است ، صاحب مرتبه های متعدد ، بواسطه شدت ، ناتوانی ، کمال نقص می گردد !! این مسئله یکی از مسئله هائی است که صدرالدین شیرازی بخود نسبت میدهد ، پایه های فلسفه اش بروی همین يك اصل قرار دارد ، شیخ اشراق هم با او در این باره موافق است ، نهایت شدت وضعف ، کمال و نقص رادر ماهیت عقیده دارد نه در وجود ، صدرالمتألهین درباره علم پروردگار سخن مشائیان و تمام گفتار حکیمان را انتقاد می کند می فرماید : علم خداوند بهممکنها مانند صورت های رسم شده در ذات حق نیست همان که مدعیان می گویند ! نه علم باری بهممکنها بجز از ذات های ممکن است همان جور که رواقیان می گویند ، شیخ اشراق خواجه نصیر و گروهی دیگر از متاخران پیروی آنان را کرده اند بنا بر این آن روشی که گرفتند بر پایه اصول و مقدمات چندی است تا آن را بر مشرب عرفان آمیخته ساخت نتیجه این گفتار این است که می فرماید دانش پروردگار به چیزها در مرتبه ذات حاصل است پیش از وجود ماسوا اعم از آنکه صورت های عقلی بستگی بذات باشند یا بیرون جدا از ذات بنا بر این معلومات با بسیاری و تفصیل های آن موجودند ، واحد بسیط ، نظر بقاعده اتحاد عاقل و معقول نظر بقاعده و مقررات علم بعلت تامه لازمه اش علت معلول است علم حق بذات خود همان دانش خداوند است بمعلومات باصطلاح معروف لایعادر صغیره ولاکبیره هیچ کوچک و بزرگی از او محو نمی گردد وبهمه چیز دانا وتوانا است ، در جای دیگر می فرماید گوهر خدا مانند آئینه ایست که می بیند در او صورت ممکنها را بدون حلول و اتحاد چرا که حلول اقتضای وجود دو چیز را دارد که هر کدام با دیگری منافات دارد وجور نمی گردد!! اتحاد هم مدعی ثبوت در امر مشترکند در یک وجودی که منسوب ذاتی است بهریک از آنها ولی در اینجا ذات حق چنین نیست هم چنانکه گفتیم گوهر هستی مانند آینه است که تمام صورت های موجودات را می بیند این سخن را صدرای شیرازی از عرفا دریافت نمود

۹ - مدرسه آخوند جمع مابین فلسفه اشراق و مشاء است ، تنقیح مناط بدست دادن حقیقت مطلب است ، تعصب بیکی از دونظر یا نظرهارا ندارد، نقص هریک از آنها را بیان می کند، برهان آنان در انتقاد می نماید تا حقیقت مطلب را بایبان و برهان روشن بدست میدهد .

- حاج ملاهادی سبزواری در سفر نفس در کیفیت بدست آوردن این سعادت و مشاء پرده های نفس نظر ملاصدرا را تایید می کند ،

۱۰ - استاد بزرگ ما آقامیرزا مهدی آشتیانی در حکمت و عرفان استاد بود حواشی بر کتاب اسفار نوشت که از شاهکارهای علمی زمان بشمار میرود دو جلد

از تالیفات ایشان عبری و فارسی در تهران بچاپ رسید حکمت عرفان و شخصیت ثبت گردید .

«اختلاف در اصالت وجود و ماهیت = گروهی از متکلمان، تنی چند از حکیمان اعتقاد باصالت ماهیت دارند ، در عصر حاضر آقا شیخ صالح مازندرانی مشهور بعلامه مؤلف کتاب حکمت بوعلی سینا عقیده باصالت ماهیت دارد ، مفهوم وجود را عرضی و اعتباری میدانند، گویند منشاء جدائی این مفهوم اعتباری عرضی ماهیت است، برای اثبات مدعای خود دلیل بر این روش می نمایانند، هر گاه این مفهوم انتزاعی اعتباری در منشاء همان متاصل و موجود باشد ناچار دارای وصف وجود خواهد بود بوجود دیگری نیازمند میگردد ، چون نقل گفتار در وجود آن کنیم ، هم چنین باید بوجودی نهایت معتقد گردیم !! این هم محال و تباها است، پس آنچه در منشاء اعیان متاصل می باشد نفس ماهیت است ، مفهوم وجود راه بخدای بیرونی نیست !! بلکه مفهومی است اعتباری و انتزاعی ، از جمله صاحبان این سخن شیخ شهاب الدین سهروردی صاحب کتاب حکمة الاشراق «صدرالدین شیرازی شرح دقیقی بر آن کتاب نوشته و تاکنون دوبار چاپ گردیده است» و امام غزالی، میر محمد باقر داماد، ملا عبدالرزاق لاهیجی ، امام فخرالدین رازی، سایر متکلمان هستند، در برابر اینان صوفیه، حکیمان مشائی، آخوند ملاصدرا معتقد باصالت وجودند، میگویند ماهیات و تعین ها بوجود عارضند ! یکی از ایشان فرماید :

وجود اندر کمال خویش ساری است تعین ها امور اعتباری است

بنابر این عقیده ایشان ، موجودیت وجود بذات خویش است نه بوجود دیگر !! مرتبه های وجود را در ضعف و شدت و تمامیت و نقص تصور و کمال مشکلات می دانند به تشکیک خاصی که در امتیاز، مرتبه های از مرتبه دیگر نفس مابده الاشتراك است، زیرا که برتری و امتیاز خود وجود است چون در اعدام تفاوتی و نشانی نیست این دسته از حکیمان و صوفیان می گویند وجود چگونه متاصل نباشد؟! با آنکه اصل هر چیزی بوسیله وجود است! مفهوم وجود را که مفهومی عرضی و اعتباری است از آخرین و پائین ترین مرتبه های وجود میدانند، از نزدیک بسیار بتاریکی تعین ها مانند نور نهمان خانه هفتم در ناتوانی و سستی و کوتاهی می باشد!!

در میان حکیمان اسلام ابو نصر فارابی، ابن سینا، آراء و عقاید ارسطو حکیم مشهور یونانی را انتشار دادند از آن زمان در نزد حکماء منشاء انتظام الفاظ و ترتیب صورت های فکری و اندیشه نقطه هدایت و رهبری فلسفه گردید

— صدرالدین شیرازی را دور بینی و وسعت و احاطه بر نفس بر آن داشت که عربی جامع میان حزب های فلسفی برای خود گردید، سخن هیچیک از فیلسوفان جهان را در جهان فکری خود رد نکرد، بلکه اتحاد فلسفه مانوی و زندقه اباحیان، شرك مزدك را تاویل نمود، آنچه بهمجوس ، بطاليس ، انباذقلس از کفر و زندقه نسبت دادند همدر! بروش درستی بکار برد عشق ورزی بامغیچکان، شاهد بازی را نیز موجب کمال آدمی، خوش بختی نفس انسانی دانست بقول مولانا جلال الدین بلخی «شمس من و خدای من»

۱۱- وحدت و کثرت — در میان حکیمان باستانی سخن و خدت وجود را بد فیتاغورث حکیم نسبت میدهند ، ولی اشتباهی که برای بیشتر فضلا درین مورد روی میدهد این است، وحدت وجود را بوحث ماهیت ها و تعین ها اشتباه می کنند!! با آنکه وحدت ماهیات محال است، این محال نیز بدیهی و آشکار است حکیمان درین باره سخنان دقیق و رقیقی دارند ، میگویند روزی صدرالدین شیرازی را

نادانی چند دور تسبیح لعن می کرد !! این کار سفیهانه را همه روزه انجام میداد تا روزی علامه محقق شیرازی بوی برخورد نمود سبب لعن و تکفیر را جویا شد خود نادانك گفت : ملاصدرا وحدت موجود را عقیده دارد !! حکم با آن وسعت مشرب گفت راست گفתי او را لعن نما که برآستی سزاوار لعن تو است !!

۱۲- درباره وحدت وجود رساله‌ها ، کتابها نوشته شده و معرکه آراء فلسفی و عرفانی است ، آخرین کتاب بسیار نفیس درین خصوص کتاب اساس التوحید تالیف استاد بزرگ میرزا مهدی آشتیانی است که پیرو صدرای شیرازی است .

۱۳- ابن سینا و صدرالدین شیرازی - یکی از سخنانی که صدرالدین شیرازی ، شیخ رئیس را هدف تیرسززش قرارداد ! از اول کتاب اسفار خود تا آخر آن کتاب به ابن سینا سززش نمود !! مسئله اتحاد عاقل و معقول است !. این نظریه فرفوریوس صوری است که بدان معتقد بود ، شیخ در کتاب طبیعیات شفا در فصل ششم از مقاله پنجم از فن ششم در علم نفس : در بیان مرتبه‌های کارهای عقل که بالاترین مرتبه آن عقل قدسی است، هم‌چنین در نبط هفتم از کتاب اشارات: در باب وجود بقاء نفس‌های انسانی پس ازرها شدن از تن آن را رد کرده و میگوید: گروهی از پیشینیان قائل بانحداد جوهر عاقل بامور معقوله آن بوده‌اند !! این سخن را باطل می‌کند .

شیخ در رساله مبدء و معاد اتحاد عاقل و معقول را ثابت نمود ولی در حقیقت ابطال دو چیز متحصل را بیکدیگر میرساند !! ولی برهانی که ملاصدرا نمودار ساخت ثابت می‌کند اتحاد لامتحصل را به متحصل ، تفاوت این دو برهان از زمین تا آسمان است .

باید کتاب اسفار را خواند آنگاه دانست که صدرالدین شیرازی با چه برهان‌های ذوقی و عقلی و منطقی ثابت کرد .

شیخ در رساله مبدء و معاد اتحاد عقل و معقول را ثابت نمود ولی در کتاب‌های اشارات ، شفا آن را تباه دانست ، برآستی جوهر برهان آخوند ملاصدرا بر این مسئله از خود شیخ دریافت شده است ! در مرحله دهم از امور عامه کتاب اسفار در فصل هفتم که در بیان سخن اتحاد عاقل و معقول است پس از نقل کلمات شیخ از اشارات و شفا و ذکر برهان در آن‌ها می‌گوید :

بنابر آنچه خواجه نصیرالدین طوسی در شرح اشارات گفت . شیخ رساله مبدء و معاد را بروش مشائبان نوشت ، روشن میشود ، این گفتار در میان قدماء بود ، متاخران از آن غفلت ورزیدند ولی پروردگار بر من منت گذاشت و این مسئله را بمن ملهم ساخت ، مقصود آن است که رای شیخ در این باره مبهم است آنچه را که از شفا و اشارات استنباط میشود آنها را باطل میدانند و آنچه که از مضمون رساله‌های شیخ بدست می‌آید بقول استاد ما آقاضیاءالدین دری در برابر عقیده آزاد نبوده است گاهی مطالب را بمشائبان نسبت میدهد و خود اظهار عقیده نمیکند راه کشف و شهود در معرفت روش محی‌الدین عربی است که مولانا -جلال‌الدین رومی و بسیاری از دانایان هوشمند این راه را بهترین و پاک‌ترین و استوارترین طریقه‌ها در راه معرفت میدانند تا آنجا که گویند صدرالدین شیرازی در طریقت روش سلسله مبارکه ذهبیه را پذیرفت و سالها در کهک قم ریاضت پرداخت - استاد حکمت و عرفان حاج میرزا محمدعلی حکیم شیرازی کتاب

بسیار نفیسی بنام لطائف‌العرفان « از دروسی است که استاد در دوره دکتری دانشکده الهیات تهران درس گفت » بعربی تالیف نمود « از انتشارات دانشگاه تهران است » سراسر این کتاب تقریباً دوره حکمت و عرفان ملاصدرا است که برای تأیید سلسله مبارکه ذهبیه تالیف گردید عرفان علمی و عملی را بشیوه بسیار رسا نوشته است .

گاهی سخنان را بقدما پیون نسبت میداد تنها اقامه برهان بر رد یا اثبات آن یادآور می‌گردد دیگر نمی‌گوید فتوی و نظر من چیست؟! در بعضی از مطلبها وصیت کرد که از نااهل پوشیده دارید ، ابراز نکنید، سالیان دراز است دربروز این رشته از سخنان دوری جستم .

ملاصدرا در خصوص نشاء آخرت و چگونگی حشر و نشر ، میزان و صراط از رشته فلسفه بیرون می‌رود ، مستمسک باخبار و آیات قرآن مجید تاویل‌های عرفانی و ذوقی می‌گردد !! بطور کلی بیشتر سخنان دقیق فلسفی را بکشف و شهود می‌کشاند در این راه معرفت داد سخن میدهد!

— صدرالدین شیرازی در پنج مسئله فلسفی خود را یکتا و توانا دانست :

۱ — مسئله وجود : می‌گوید : وجود يك حقیقت واحده دارای مرتبه‌هاست .

۲ — مسئله حرکت جوهری است ، ربط حادث بقدم را با ثابت می‌کند، نه بنفوس و حرکت‌های ستارگان می‌فرماید در قرائت قرآن مجید از خواندن سوره مبارکه الحديد حرکت جوهری بر من کشف گردید .

۳ — اتحاد عاقل و معقول .

۴ — مسئله تجرد خیال .

باروش عرفانی آن را نمودار ساخت .

۱۴ — مسئله معروف بسبب الحقیقه کل‌الاشیاء می‌فرماید : لم اجد علی وجه الارض من له علم بذالك « بآنکه این مسئله هم مانند سایر سخنان بقدما بستگی دارد ، از کلمات عرفاء بزرگ مانند محی‌الدین عربی و پیروان وی بخوبی آشکار می‌گردد ، فارابی معلم دوم هم در رساله بسیار نفیس خود بنام فصوص‌الحکم درباره این مسئله روشن است .

ارسطو در کتاب اثولوجیا « معرفت ربوبی » باین مطلب تصریح دارد حاج ملاهادی سبزواری بآنکه بیان‌کننده و مفسر کلمات اوست باین‌جا که رسید می‌فرماید :

عجیب است از صدر المتألهین که مسئله بسبب‌الحقیقه را نسبت بخود میدانند بآنکه استادش میرداماد بدان عقیده داشت و میر در کتاب مقابسات باین سخن تصریح کرد مگر اینکه بگوئیم مقصود کتاب اسفار این است تاکنون باین نظریه را باین روش که من بیان داشتیم روشن و آشکارا نگفته است !!

۱۵ — استاد ، آقا ضیاء‌الدین دری کتابی در بحث و انتقاد کتاب اسفار تالیف کرد و دور رساله بنام فلسفه اعتماد نوشت ، تاریخ حکماء شهروری را ترجمه و منتشر ساخت از پیروان ابن‌سینا بود و آقا میرزا مهدی الهی قمشه‌ای چند کتاب در فلسفه الهی تالیف نمود از پیروان ملاصدرا است .